

مقایسه‌ی عامل‌های سازنده‌ی عمومیت فضاهای شهری در شهرهای ایرانی - اسلامی و غربی

امیرمحمد قویمی^۱، غلامرضا حقیقت نائینی^۲، فریبا قرایی فتح آبادی^۳، میترا حبیبی^۴
(دریافت مقاله: ۹۸/۰۳/۱۷، پذیرش نهایی: ۹۸/۱۱/۱۳)

چکیده

جانمایه‌ی این مقاله دو مسأله‌ی بنیادین در تمدن اسلامی است: نخست اینکه ما در توصیف انگاره‌های بنیادین حوزه‌ی شهرسازی کمتر به ویژگی‌های سنتی خود پرداخته‌ایم و شناخت این انگاره‌ها را با توجه به این قبیل مباحث در غرب آغاز کرده‌ایم و دیگر اینکه، اساساً مقوله‌ی «عمومیت فضاهای شهری» در سال‌های اخیر به صورت روز افزون مورد توجه و محل مناقشه بوده است. بر این پایه، پژوهش حاضر به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی و مقایسه‌ای و با این پرسش اصلی انجام شده است که عامل‌های اصلی سازنده‌ی عمومیت فضاها در شهرهای ایرانی - اسلامی و شهرهای غربی کدامند و چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین عامل‌های سازنده‌ی عمومیت فضاهای شهری، گرچه در چند دهه اخیر مبتنی بر ویژگی‌های جوامع غربی و در فرهنگ غربی شکل گرفته، از سده‌ها پیش در شهرهای سنتی ایرانی - اسلامی با جزئیات بیشتری بر آن تأکید و اجرا می‌شده است.

کلیدواژه‌ها: عمومیت، عمومیت فضاهای شهری، فضای عمومی، شهر ایرانی - اسلامی، فضاهای شهری ایران

-
- ^۱. پژوهشگر دکتری شهرسازی، دانشگاه هنر تهران (نویسنده مسئول)؛ Email: ghavimi.a@gmail.com
^۲. عضو هیات علمی و دانشیار دانشکده شهرسازی - گروه شهرسازی - دانشگاه هنر تهران؛ Email: haghghat@art.ac.ir
^۳. عضو هیات علمی و دانشیار دانشکده شهرسازی - گروه شهرسازی - دانشگاه هنر تهران؛ Email: gharai@art.ac.ir
^۴. عضو هیات علمی و دانشیار دانشکده شهرسازی - گروه طراحی شهری - دانشگاه هنر تهران؛ Email: habibi@art.ac.ir

مقدمه

در چند دهه گذشته، ظهور پدیده‌هایی همچون خصوصی‌سازی، برندسازی و همسان‌سازی فضاهای شهری، نقد و نظرهایی نیز در پی آورده است. موضوع و محور این نقدها، کاهش «عمومیت فضاهای شهری» بوده است. در اغلب نقدها و نظرهای مرتبط با این موضوع، پژوهشگران، به ویژگی‌های فضاهای عمومی در شهرهای غربی توجه کرده‌اند (Don, 56 ; Sennett, 32-34). منظور از «شهر غربی» شهری است که در اروپا و آمریکا، یعنی خاستگاه شکل‌گیری فرهنگ غربی در حوزه شهرسازی و مطالعات شهری در سده گذشته، واقع است و به دست مسلمانان بنا نشده است.

همچنین، از آنجا که تعریف و تحدید مفهوم «فضای عمومی» در این موضوع تا حدی دشوار است (نک: مقصودی، ۱۴۹-۱۵۱)، لازم است درباره آن توضیح مختصری به دست داده شود. فضاهای شهر را می‌توان به عمومی و خصوصی تقسیم کرد (مدنی‌پور، ۲۲). فضای عمومی در تعریف‌های سنتی، شامل فضاهای باز شهری است، مانند خیابان‌ها و میدان‌ها، زیرا در دسترس همگان است و مالکیت و مدیریت آن فضاها در دست نهادهای غیر خصوصی است (Tonnelat, 84). در فرهنگ معاصر غربی، تعریف‌هایی متفاوت و حتی متناقض از فضای عمومی به دست داده شده است، با این همه، در آن فرهنگ، به طور کلی «فضای عمومی» شامل فضاهایی است که برای همگان در دسترس باشد؛ فعالیت‌های متنوع و اقبال گوناگون را شامل شود؛ مالکیت آن خصوصی نباشد و نهادی غیر خصوصی برای بهره‌برداری همگان، آن را زیر نظر گیرد و نگاهداری کند (Ercan, 25; Nissen, 1143; پاکزاد، راهنمای طراحی فضاهای شهری، ۷۷؛ Madanipour, 215-216).

ویژگی‌های فضاهای عمومی در شهرهای غربی موضوع پژوهش‌ها و بررسی‌های بسیار بوده است و منابع متعددی در این باره در دست است (برای نمونه نک: کریر، ۴۳؛ کارمونا، تیم، تنراک، و تیزدل، ۳۹ و ۱۵۸؛ پامیر، ۱۱۲؛ جاکوبز، ۱۰۸). تمرکز این پژوهش بر ویژگی عمومی بودن فضاها و عامل‌های اصلی سازنده آن است. پاره‌ای پژوهش‌ها با هدف شناسایی و دسته‌بندی عامل‌های سازنده عمومیت فضاها انجام شده است (برای نمونه نک: Varna G., 44; Nemeth & Schmidt, 5; Ercan, 25). با این وجود، همه آنها بر نمونه‌های شهرهای غربی، یا جست و جو در فرهنگ غربی تمرکز داشته‌اند و تاکنون پژوهشی با هدف بررسی عامل‌های سازنده عمومیت فضاها در شهرهای اسلامی و به گونه ویژه‌تر، ایرانی انجام نشده است. در بسیاری از متون علمی

موجود، تصریح شده است که نمی‌توان تعریفی مشخص از «عمومیت» به دست داد و پژوهشگران، «عمومیت فضاها» را مقوله‌ای تاریخی و فرهنگی توصیف کرده‌اند و اینکه داوری در این باب مستلزم توجه به زمینه‌های ویژه هر جامعه است (برای نمونه نک: Varna, 155; Mensch, 47; Madanipour, 98-99).

به هر حال، برای داوری در باب تضعیف یا تقویت عمومیت فضاهای شهری، شناخت عامل‌های اصلی سازنده عمومیت فضاها در شهرهای ایرانی - اسلامی بایسته می‌نماید. پژوهش‌ها و آثاری که در آنها به شهرهای تمدن اسلامی و فضاهای شهری در این جوامع پرداخته‌اند (برای نمونه نک: سلطانزاده، فضاهای شهری، ۲۹؛ پورجعفر، ۴۲)، به جای شناسایی عامل‌های سازنده عمومیت و بررسی فرآیند آن، بیشتر با رویکردی توصیفی به ویژگی‌های ریخت‌شناسانه و کالبدی یعنی به «فرآورده» توجه کرده‌اند (رضایی، ۱۷۰)؛ چندان که می‌توان گفت هیچ یک، به عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری در تمدن اسلامی نظر نداشته‌اند.

این نقص در بررسی و مرور ادبیات مرتبط با موضوع این پژوهش آشکار گردید و بر همین پایه، پژوهش پیش رو با این پرسش اصلی انجام شد که تفاوت عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری در شهرهای ایرانی - اسلامی و شهرهای غربی چیست؟ و برای ارزیابی عمومیت فضاهای شهری ایرانی، چه عامل‌های اصلی را باید در نظر گرفت؟ با هدف پاسخ به این پرسش، سه پرسش فرعی به این شرح مطرح شد: عامل‌های سازنده عمومیت فضاها در شهرهای ایرانی - اسلامی کدامند؟ عامل‌های اصلی سازنده عمومیت فضاهای شهری در فرهنگ غربی کدامند؟ و عامل‌های سازنده عمومیت در دو جامعه، چه مشابهت‌ها یا ناهمسانی‌هایی دارند؟

بر پایه این ۳ پرسش، در این مقاله مهم‌ترین متون مرتبط با موضوع، با راهبرد قیاسی بررسی و تحلیل شده و پس از رد یا تأیید عامل‌های اولیه به دست آمده در این مطالعه، فهرستی از عامل‌های اصلی سازنده عمومیت فضاها در شهرهای ایرانی و عامل‌های همسان در فرهنگ غربی به دست داده و سرانجام، آنها را مقایسه کرده‌ایم.

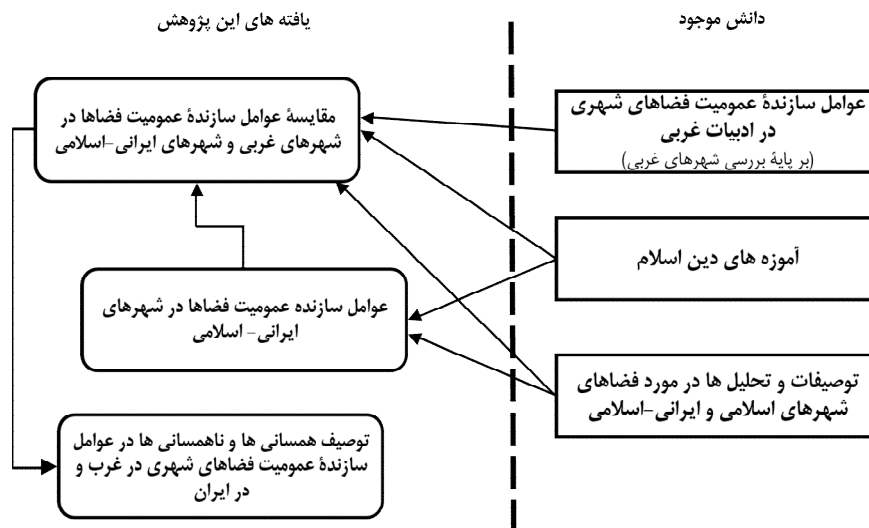
روش شناسی

پژوهش حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و با روش مرور ساختارمند^۱ و پاسخ به پرسش

اصلی و بر پایه ۳ پرسش فرعی در ۳ گام انجام شده است. در گام نخست، مهم‌ترین عامل‌های سازنده عمومیت فضاها در شهرهای ایرانی - اسلامی به روش توصیفی و با رویکرد قیاسی، از متون به دست داده خواهد شد. سپس در گام دوم، با همان شیوه، مهم‌ترین عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری در فرهنگ جهانی معرفی می‌شود. بر پایه یافته‌ها در این مرحله، این فرضیه شکل گرفت که عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری در شهرهای غربی، منعکس در فرهنگ معاصر غربی، چندین سده پیش و در آموزه‌های اسلامی نیز قابل پیگیری است و حتی در شهرهای ایرانی - اسلامی اجرا می‌شده است و اینکه، تفاوت‌ها نه در خود عامل‌ها، بلکه فقط در تعریف‌ها و شیوه کاربست آنها در این دو دسته از شهرهاست.

در گام سوم، برای اطمینان بیشتر از درستی این یافته و روشن‌تر شدن تفاوت‌ها، با روش دلفی، این فرضیه به آزمون نظرهای متخصصان حوزه فضاهای شهری نهاده شد. در پایان، تعریف‌ها و کاربست عامل‌های سازنده عمومیت فضاها در فرهنگ جهانی و عامل‌های سازنده عمومیت فضاها در شهرهای ایرانی - اسلامی بر پایه متون و نظرهای متخصصان، مقایسه گردید.

در روش مرور ساختاری، به عنوان بخشی از قرارداد^۱ مرور، در آغاز مهم‌ترین منابع بر پایه معیارهایی مانند اعتبار نشریه، سال چاپ، نویسنده و میزان ارجاع در سایر متون و همچنین منابعی که با موضوع عمومیت فضاهای شهری و شهرهای ایرانی - اسلامی یا آموزه‌های اسلامی ارتباط دارند، گردآوری شد. سپس در مطالعه و بررسی متون با هدف شناسایی مهم‌ترین عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری در هر دو دسته از شهرها، نتایج را به عنوان فرضیه‌های اولیه در نظر گرفتیم. در مرحله بعد، منابع پیشین و برخی منابعی که بر پایه یافته‌های مرحله پیشین بر منابع افزوده شده بود، برای رد یا تأیید فرضیه‌ها به صورت دقیق‌تری مطالعه و بررسی شد. طرح کلی تحقیق شامل مراحل فوق در تصویر (۱) ترسیم شده است.



تصویر (۱) طرح تحقیق

مرور یافته‌ها

ایران یکی از کشورهایی است که شهرسازی آن از سده‌ها پیش، از آموزه‌های دین مبین اسلام تأثیر پذیرفته و همین حقیقت، موجب اطلاق صفت ایرانی - اسلامی بر شهرهای ایران در متون تخصصی بوده است. در این بررسی، ویژگی‌های مورد نظر، بر مبنای شهرهای تمدن اسلامی^۱ با تمرکز بر کشور ایران انجام شده است.

عوامل‌های سازنده عمومیت فضاها در شهرهای ایرانی - اسلامی

در باب تعریف شهرهای اسلامی، آراء و نظرات گوناگون است: برخی شهرهای ساخته شده به دست مسلمانان و برخی شهرهای ساخته شده در کشورهای مسلمانان و شماری دیگر، شهرهایی را که مسلمانان در آن ساکن بوده‌اند، «شهراسلامی» دانسته‌اند. در هر حال، به صورت مشخص، به تفاوت شهر اسلامی و شهر مسلمانان اشاره شده است. بنابراین، تعریفی، شهر اسلامی شهری است که بر پایه آموزه‌های دین اسلام ساخته شده و شهر مسلمانان شهری است که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند (صفایی پور و سجادیان، ۱۷۱). بر پایه تقسیم بندی دیگری، شهرهای اسلامی را می‌توان به شهرهایی همچون

۱. در این مقاله به منظور اختصار بیشتر عبارت شهرهای اسلامی استفاده شده است.

شهرهای ایرانی - اسلامی، هندی - اسلامی، ترکی - اسلامی و عربی - اسلامی تفکیک کرد (پورجعفر، پورجعفر و صفدری، ۸-۹).

شهرهای جهان اسلام همسانی‌های بسیار دارند: مسجدها، محله‌هایی کمابیش مشابه و بازارهای همانند. این شباهت‌ها موجب شده است تا پژوهشگرانی چون ویلیام مارش و له تورنه، در نخستین بررسی‌ها در باب شهر اسلامی، با تعمیم این ویژگی‌ها به همه شهرهای اسلامی، الگویی بنیادین طراحی کنند (فلاح، ۳۷)، اما در مرحله‌های بعدی، بررسی‌های دیگر نشان داد که به سبب تنوع چشمگیر این شهرها (نک: باقری، ۴۷-۴۸)، نمی‌توان آنها را در یک گروه قرار داد و در این باب به الگویی فراگیر رسید. از نظر پیران، وجوه ناهمسانی در مقایسه با جنبه‌های همسان در میان این شهرها برجسته‌تر است. به همین سبب، او ترکیب «شهر اسلامی» را که ساخته خاورشناسان است، نمی‌پذیرد (پیران، ۷۵)؛ به ویژه که تفاوت‌های اقلیمی و فرهنگی جوامع در کنار آموزه‌های اسلام، از عامل‌های شکل دهنده شهرهای گوناگون مسلمان نشین بوده است. از نظر حکیم، سنتهای بومی و خصلت شهرهای پیش از اسلام، تأثیرهای چشمگیری به ویژه در سرزمین‌های شرقی خلافت اسلامی برجای گذاشته است (حکیم، ۲۲). از طریق نظر نقی زاده، می‌توان به این نتیجه رسید که در آموزه‌های اسلامی، در باب شهرسازی توصیه‌ای به مسلمانان نشده است، بلکه مدار و محور توصیه‌ها بر این است که آنها چگونه زندگی کنند. از این رو مسلمانان نیز باید شهرهای خود را به گونه‌ای بسازند که بتوانند بنابر آن شیوه، زندگی را پیش ببرند (نقی‌زاده، شهر آرمانی اسلامی، ۵۱-۵۲).

بر این پایه، گرچه در این مقاله بر بررسی فضاهای شهرهای ایرانی - اسلامی تمرکز شده است، نتیجه‌های حاصل ممکن است بر بسیاری از شهرهای اسلامی در جوامع دیگر نیز صادق باشد؛ به ویژه که تأکید دین اسلام بر وحدت و همبستگی است و انجام برخی فرایض دینی به صورت جمعی، آگاهی از احوال دیگر مؤمنان و همچنین جایگاه پیوندهای انسانی در این دین، اهمیت مکان‌ها و فضاهای عمومی^۱ در شهرهای مسلمانان را آشکار می‌کند (همو، فضاهای شهری، ۴). این ویژگی، زمینه‌ای برای شکل‌گیری این فرضیه فراهم می‌آورد که به رغم تفاوت‌ها، ویژگی‌ها و شرط‌های بنیادین مشترکی به عنوان عامل‌های سازنده عمومیت فضاها در شهرهای مسلمانان قابل تشخیص است.

در این بخش از مقاله، عامل‌های سازنده عمومیت فضاها در شهرهای اسلامی با

۱. در برابر سایر فضاها.

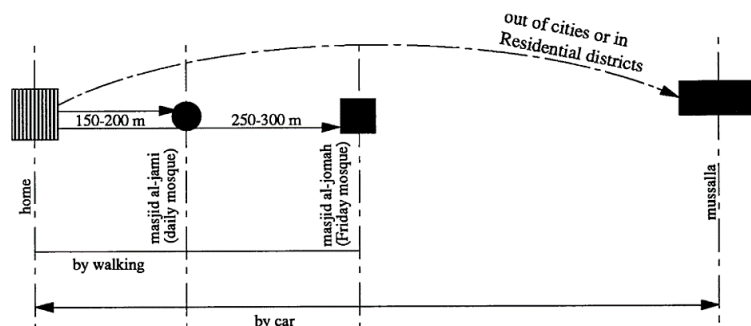
تمرکز بر کشور ایران با توجه به متون شناسایی شده است. با توجه به رویکرد قیاسی در این مقاله، پس از رد یا تأیید عامل‌های استخراج شده در این مطالعه، فهرستی از عامل‌های سازنده عمومیت فضاها در شهرهای ایرانی - اسلامی به دست داده خواهد شد.

دسترسی به فضاها در شهرهای اسلامی با تأکید بر شهرهای ایرانی

بنابر آموزه‌های دین اسلام، مسجد و بازار برای همه مردم به صورت برابر باز و قابل دسترس است. در شهرهای اسلامی، فضاهای عمومی مانند مسجد و بازار باید به آسانی برای همگان در دسترس باشد، به گونه ای که همگان بی‌دردسر بتوانند میان این فضاها، خانه‌ها و محل کار تردد کنند (عاملی، ۱۶۳). در فرهنگ اسلامی، بر فاصله دسترسی آسان فضاهای عمومی برای همگان به صورت فاصله فضای عمومی تا محله‌های مسکونی و محل کسب و کار و فاصله‌های فضاهای عمومی نسبت به یکدیگر تأکید شده است و اینکه فضاهای عمومی به نسبت میزان عمومیت آنها باید قابل رؤیت باشند. عمومی‌ترین فضاهای شهر مانند بازار، مسجد و میدان اصلی شهر با دسترسی‌های کالبدی و بصری آسان برای همگان مکان‌یابی شده‌اند (حکیم، ۱۸۱-۱۸۲).

سبب تأکید اسلام بر نماز جماعت در مسجد، صرفاً برگزاری نماز به صورت دست جمعی نیست، بلکه هدف جمع شدن و «وحدت» مردم فقط بر پایه ایمان - و نه هیچ معیار دیگر - بدون تبعیض و نابرابری است. از این رو مسجد باید در فاصله قابل دسترسی پیاده به ویژه از محلات مسکونی باشد (Grabar, 94; Mortada, 85). مسجد مخصوص نماز جمعه را، در مرکز شهر یا در محلی بلندتر با دسترسی بصری مناسب بنا می‌کردند. فضاهای عمومی برای جمع شدن مردم، از مهم‌ترین عناصر مرکز شهر آغاز می‌شد و به گره‌های کوچک در محله‌های مسکونی می‌رسید (Mortada, 89; Garsivaz-Gazi, Salwa, & Estamboli, 52; Ardalan, 7-9). از این توصیف‌ها، تأکید بر دسترسی بصری، کالبدی و حقوقی^۱ برای همگان، به فضاهای عمومی شهر به آسانی قابل استنباط است.

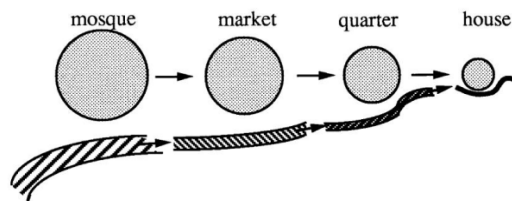
۱. اجازه حضور یا حق حضور یکی از زیرعامل‌های چهارگانه برای عامل دسترسی است.



تصویر (۲) - فاصله دسترسی انواع مسجد در شهر اسلامی (Mortada, 2003)

موضوع دیگر مرتبط با عامل دسترسی «اصل محرمیت» است. در ایران، «حریم خصوصی» بیشتر جنبه عرفی داشت و مردم در مناسبات اجتماعی خود حریم آن را حفظ می‌کردند (ذکایی و امن‌پور، ۱۵۹). افزون بر عرف، در آموزه‌های دین اسلام نیز بر اهمیت آن تأکید شده است: در اسلام حفظ محرمیت خانه و زن اهمیت خاص دارد، تا حدی که می‌توان آن را یکی از مهم‌ترین وظایف طراح و برنامه ریز شهری به شمار آورد (Mortada, 79-83). انگاره «حریم خصوصی» در جوامع غربی نیز عامل بسیار مهمی در تعیین عمومی و خصوصی است، اما تعریف و حدود آن، بسته به فرهنگ هر جامعه متفاوت است. بر پایه تعریف‌های موجود می‌توان آن را حقی «شخصی» دانست و اینکه شخص چه میزان اطلاعاتی از خود را تحت چه شرایطی برای دیگران آشکار می‌کند (انصاری، ۱۳؛ Westin, 34-36; Gavison, 428).

بحرینی، سلسله مراتب محرمیت را منطبق بر سلسله مراتب عمومیت، از خصوصی‌ترین فضاها یعنی فضای خانه تا عمومی‌ترین آنها در مرکز شهر دانسته است (بحرینی، ۲۲۴-۲۲۵). از آن جا که این اصلی مذهبی است، محرمیت باید هم در خانه و هم در فضای عمومی رعایت شود. این مهم به صورت تفکیک فضایی صورت گرفته و گاه با صورت‌های کالبدی مانند دروازه‌ها یا تعیین کاربری اراضی مؤکد می‌شده است (Mortada, 75 & 106). سرنا، در سفرنامه خود سلسله مراتب گذرها در شهر تهران را بر پایه اصل محرمیت، دور ماندن اهل منزل از دید در گذرها و گاه آسایش زنان در بن بست‌ها دور از حضور یا نگاه مردان توصیف کرده است (سرنا، ۶۳-۶۴). در برابر، دسترسی بصری به فضاها با افزایش عمومیت آنها افزایش می‌یافته است و چنانکه ذکر شد، مسجدها در محلهایی با رویت‌پذیری بالا از نقاط مختلف شهر مکان یابی می‌شدند.



تصویر (۳) - سلسله مراتب مبتنی بر محرمیت و وسعت کالبدی فضاهای عمومی شهرهای اسلامی (Mortada, 86)

حق برابر حضور، یکی از مؤلفه‌های دسترسی است که در متن‌های مرتبط بر آن تأکید شده است. دین اسلام بر همزیستی آشتی جویانه و برادری همه لایه‌های جامعه تأکید کرده است. بنابر این اصل بود که در صدر اسلام تقسیم بندی فضاهای شهری به محله‌های گوناگون بدون برتری نسبت به یکدیگر صورت گرفت (بحرینی و تاج بخش، ۲۴). یکی از مبانی شهراسلامی «عدل» است و یکی از ویژگی‌های بارز عدل، مبارزه با هر شکل و درجه‌ای از نابرابری در جامعه است. این امر موجب حفظ «کرامت انسانی» است، که یکی از صفت‌های شهر اسلامی و از ویژگی‌های برجسته آموزه‌های اسلام است (نقی‌زاده، شهر آرمانی اسلامی، ۲۸۵ و ۱۶۵). به نظر کاستللو، اسلام به عنوان دینی شهری، با قانون‌های مبتنی بر برابری ایمان آورندگان به آن، افزون بر فرهنگ و روابط اجتماعی، بر ساختار فضایی و فضاهای شهری نیز تأثیری نیرومند نهاده است (کاستللو، ۹۰). مرتضی، روح شریعت اسلام را بر مطالبه برابری مبتنی دانسته است (Mortada, 9). در نظر او، تحقق مفهوم «امت» مستلزم تحقق برابری اجتماعی به صورت مطلق در تمامی فضاهای شهری است، زیرا از نظر اسلام، همه انسان‌ها را خدای واحد به صورت برابر آفریده شده است (Ibid, 24-25).

گرچه بیشتر صاحب‌نظران، حیات شهرهای مسلمانان را در امتداد سنت‌های باستانی اراضی مفتوحه مسلمانان می‌دانند، یکی از مهم‌ترین تحولات در این شهرها را باید حاصل انگاره برابری و برادری و منزلت افراد نزد خدا، تنها بر پایه تقوا دانست. تا پیش از آمدن اسلام، شهرهای ایرانی محدوده سکونت و استقرار برگزیدگان و طبقات برتر و در جوار آن محل استقرار عوام بود (حبیبی، ۳۲-۳۳). در این شهرها پس از آتشکده که بیشترین تقدس را داشت، سه محله به عنوان محل استقرار سه طبقه برگزیده اجتماعی

ساخته می‌شد (سلطانزاده، روند شکل‌گیری شهر، ۵۰)، اما در دوره اسلامی، بر پایه آموزه‌های اسلام و به مصداق «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» شهر به عنوان مکان زیست برابر شکل گرفت (پورااحمد و پورااحمد، ۲۹).

بنابر مطالعات باستان‌شناختی در شهرهای بم (کریمیان، ۹۴ و ۸۶)، بیشاپور (مهریار، ۱۲۵-۱۲۸)، ویگل، هراسگان (جاوری، ۱۷۸) و دارابگرد (کریمیان و سیدین، ۸۴)، الگوی تحولی همسان در ساختار فضایی این شهرها پس از سقوط ساسانیان، قابل تشخیص است. در همه این شهرها ابتدا ارگ حکومتی متروکه شده، محله‌های مسکونی بدون تمایز نسبت به یکدیگر به خارج از دیوارهای قدیمی شهرگسترش یافته و بنابر سنت شهرسازی در سده نخست، بازاری جداگانه برای شهر ساخته شده است. ورود به این بازار و بهره‌برداری از این فضا برای همگان آزاد بوده و کسی حق جلوگیری نداشته است. همه فضاهای عمومی اصلی شهر در بیرون محله‌ها و در مرکز شهر، بر روی همه مردم شهر باز بود و همه حق استفاده داشتند (Lapidus, 114؛ سلطانزاده، فضاهای شهری، ۵۳-۵۵؛ بمت، ۹۸ و ۱۱۷). گذرگاه‌های شهر نیز برای حضور و آمد و شد همه مردم از هر قوم و نژاد، مذهب یا طبقه اقتصادی به صورت برابر آزاد بود (Hitti, 74).

بسیاری از پژوهشگران در حوزه مباحث مربوط به شهرهای مسلمانان بر نابرابری حضور زن و مرد اشاره کرده‌اند. بنابر عرف در بیشتر دوران‌ها و شهرها، زنان از طبقه‌های فرودست بیشتر در فضاهای عمومی و به ویژه بازارها حضور می‌یافتند (Lapidus, 83)، زیرا حضور زنان جز در موارد ضروری، آن هم با رعایت پوشش و رفتار خاص شایسته نبود (کنانی، ۱۲۶؛ سنایی، ۱۳۲-۱۳۸). در شهرهای تمدن اسلامی، زنان با رعایت حجاب و با سرعت بیشتری از گذرگاه‌ها می‌گذشتند و فقط از پنجره‌های مشبک خانه‌ها می‌توانستند فضاهای عمومی را ببینند (Hitti, 74). به نظر ابولقد، سه ویژگی شهر اسلامی را متمایز می‌کند و اجرای آن در روزگار معاصر دشوار است: نخست، تفاوت حقوقی شهروندان مسلمانان از خارجی‌ان؛ دوم، تفکیک جنسیتی و سوم، مقررات حکومتی متمرکززایی شده برای کاربری زمین (Abu-Lughod, 172).

در بسیاری از منابع، فضاهای عمومی شهرهای ایرانی، چه در گذشته و چه در دوران معاصر، فضاهایی مردانه توصیف شده است (ذکایی، ۱۳۳؛ سرنا، ۶۸؛ رحمت‌آبادی، ۹۶)؛ گرچه فضاهای عمومی شهرهای غربی را نیز بسیاری از اندیشمندان و منتقدان مردانه توصیف کرده‌اند (ترلیندن، ۵۸؛ Fraser, 5)، بر این پایه، محدودیت زنان در فضاهای

عمومی خاص شهرهای اسلامی نبوده و چنین به نظر می‌رسد که عامل محرمیت^۱، این ویژگی را در شهرهای مسلمانان تشدید کرده است. این عامل به فضاهای عمومی در شهرهای مسلمانان محدود نمی‌شود و در فضاهای داخل خانه‌ها نیز، به لحاظ کالبدی تفکیک جنسیتی آشکارا برقرار است. در حقیقت، تقسیم بندی کالبدی مبتنی بر تفکیک جنسیتی را حتی مشخص‌تر از فضاهای بیرونی در فضاهای درونی نیز می‌توان یافت (بمانیان، غلامی رستم، و رحمت پناه، ۵۸-۵۹؛ حکمت‌نیا، ۵۸۸).

از این‌رو، دسترسی به فضای عمومی، شامل دسترسی کالبدی و بصری به فضا، دسترسی به فعالیت‌ها و اطلاعات جاری در آن و همچنین حق برابر چنین دسترسی برای همگان، شرط بنیادین در عمومی بودن و از عامل‌های عمومی‌ساز فضا در شهرهای اسلامی است. در این شهرها اجازه حضور در فضاهای عمومی شهر برای همگان به صورت برابر و همچنین آسان بودن دسترسی کالبدی و بصری به این فضاها و فعالیت‌های جاری در آنها با رعایت اصل محرمیت محدود و تعیین می‌شود.

تنوع در فضاهای شهرهای اسلامی با تأکید بر شهرهای ایرانی

با توجه به اینکه اسلام زندگی خصوصی را به داخل خانه محدود و بر حفاظت از حریم خصوصی تأکید کرده است، به همین سبب، پژوهشگران رعایت اصل سلسله مراتب را در همه شهرهای اسلامی مشترک دانسته‌اند. البته بنا بر ادله تاریخی، سیاسی و فرهنگی، شیوه رعایت این اصل در جوامع اسلامی یکسان نبوده است (بحرینی و تاج بخش، ۲۳). شهرها در تمدن اسلامی به محله‌ها یا بخش‌هایی تقسیم می‌شدند و هر یک جماعتی کمابیش همگن و بازارهایی مخصوص به خود داشتند (ترنر، ۱۸۴). در مقیاس محله‌ها، سلسله مراتب، با هدف جلوگیری از تداخل عملکردی و فعالیتی فضاهای خصوصی و عمومی، به صورتی شفاف رعایت می‌شده است (Kanbar, 24). این محله‌ها گاه با دروازه‌هایی از بقیه شهر تفکیک می‌شدند. در شهرهای اسلامی، عمومی‌ترین فضاهای محله‌ها در مرکز قرار داشته و فضاهای عمومی خارج از محله‌ها، کمتر توصیف شده‌اند (ریمون، ۲۴-۲۵؛ حکیم، ۱۸۶؛ Negoita, 124). مفهوم محله و تقسیم شهر به محله‌هایی بر اساس عامل‌های اجتماعی - اقتصادی، در شهرهای ایرانی پیش از اسلام نیز وجود داشته است (ثقة الاسلامی و امین‌زاده، ۳۴). از نظر مدنی‌پور، جمعیت اندک ساکنان

۱. یا به تأکید برخی از متن‌ها عامل حجاب.

محله و پیوند قومی اجتماعی میان آنها، از تنوع اقشار حاضر در فضا و در نتیجه میزان عمومی بودن فضاهای عمومی در این محله‌ها می‌کاسته است (مدنی‌پور، ۲۴۱). از این رو، عامل تعیین کننده میزان عمومیت، تنوع افراد حاضر با نظارت بر حضور غریبه‌ها و ساکنان سایر محله‌ها در نظر گرفته شده است.

هر یک از فضاهای شهر اسلامی فعالیت‌های غالب دارند و فقط در عمومی‌ترین فضاهای شهر تنوع چشمگیری در فعالیت‌ها ملاحظه می‌شود. تفکیک عملکرد و محدودیت فعالیت در فضاهای مختلف شهر با اصل سلسله مراتب تقویت شده است (ثقة الاسلامی و امین‌زاده، ۳۵). بحرینی و تاج بخش، سلسله مراتب فضاهای شهرهای سنتی ایران را افزون بر وجه کالبدی، دارای وجه عملکردی و اجتماعی نیز دانسته‌اند. از این گذشته، از نظر آنان زندگی عمومی در ایران، روابط محدودتری نسبت به غرب دارد (بحرینی و تاج بخش، ۸۲). در کنار عملکرد غالب، فعالیت‌های مجاز در هر فضا نیز مشخص و معین بوده (Kanbar, 41-43) و محتسب از فعالیت‌های مزاحم یا مغایر قوانین شرع نیز جلوگیری می‌کرده است (سنامی، ۸۷، ۹۱). برای نمونه، گذرگاه‌های محله‌های مسکونی در شهرهای اسلامی بیشتر دالانی برای گذر توصیف شده است تا محلی برای گردش و داد و ستد. معاملات و فروش به طور کلی در فضاهای عمومی مختلف ممنوع بود (عاملی، ۱۵۹) و قسمت ویژه‌ای از فضای شهر یعنی بازار بدان اختصاص داشت (بمات، ۱۱۳). حتی گاهی بازارهای شهر نیز تخصصی و تفکیک شده بود (ریمون، ۵۲-۵۵؛ سلطانزاده، بازارهای ایرانی، ۴۰-۴۲؛ پورجعفر و پورجعفر، ۱۷۲). از این رو، اصناف برای کسب و کار در سایر فضاهای شهر اجازه نداشتند (Bosworth, 23).

اما در بازار که در مقایسه با دیگر فضاهای شهر اسلامی، جز مسجد، عمومیت بیشتری دارد، افزون بر بازرگانی و خرید و فروش، فعالیت‌های دیگری هم روی می‌داد، از جمله فعالیت‌های فرهنگی، دیدار و تبادل اطلاعات (Lapidus, 191؛ سرنا، ۶۴). این تنوع با مجاورت کاربری‌های دیگر مانند مسجد، حمام، قهوه‌خانه و مانند آن با بازار تقویت می‌شد (پیرنیا، ۱۲۳-۱۲۵؛ سلطانزاده، فضاهای شهری، ۲۹ و ۵۳). این ویژگی تنها به بازار محدود نمی‌شد و در عمومی‌ترین فضاهای شهر اسلامی فعالیت‌های متنوع اجتماعی، بازرگانی، اداری و هنری جریان داشت (خدایی و تقوایی، ۱۰۸).

در شهرهای ایرانی نیز مانند دیگر شهرهای اسلامی، بر هر یک از فضاهای عمومی شهر کاربری خاصی غالب بود: مساجد، تکایا، حسینیه‌ها کارکردی غالباً مذهبی داشتند

و بدیهی است که بر بازار فعالیت‌های بازرگانی غالب بود. دیگر فضاها نیز به همین منوال دارای عملکردی غالب بوده‌اند.

یکی از ویژگی‌هایی که برای فضاهای شهری در ایران ذکر شده است، تغییرکارکردها در زمان‌های مختلف بوده است. برای مثال بازار، صحن مسجد، تکیه و حسینیه در زمان برگزاری مراسم مذهبی به صحنه نمایش تبدیل می‌شدند (ایازی، ۱۳۹۱، ۴۸۶-۴۸۷). به نظر می‌رسد که فعالیت‌ها و کارکردهای متنوع به صورت همزمان و به صورت یکجا در بیشتر فضاهای نیمه عمومی متداول نبوده و در کنار تنوع در فضاهای بسیار عمومی مانند بازار اصلی شهر یا مسجد، در دیگر فضاهای عمومی و به ویژه فضاهایی که به فضاهای خصوصی نزدیک بودند، تنوع در کاربری محدود می‌شد؛ شاید بیشتر به این سبب که رعایت اصل محرمیت بر هر موضوع دیگری مقدم بود.

این توصیف‌ها حاکی از اهمیت عامل تنوع به عنوان عامل اصلی سازنده عمومیت در فضاهای شهرهای اسلامی و به ویژه ایرانی است، زیرا تقسیم بندی و جداسازی فعالیت‌ها که با کاهش میزان عمومیت فضاها تشدید می‌شد، خود موجب کاهش انعطاف پذیری فضا برای رفع انواع نیازها و در نتیجه کاهش میزان تنوع اقشار حاضر (جنکینز، ۲۴) در فضاهای شهری با میزان عمومیت کمتر بود.

مالکیت و منفعت همگانی و اداره فضاهای عمومی در شهرهای اسلامی با تأکید

بر شهرهای ایرانی

فضاهای عمومی شامل گذرگاه‌ها، میدان‌ها و بازار و مانند آن به همه مسلمانان تعلق دارند و در مالکیت هیچ شخص، گروه یا حتی حکومتی نیستند. وظیفه حکومت نیز تنها نظارت و حصول اطمینان از اجرای دستورهای شرع در این فضاهاست. از این‌رو، هرگونه دخل و تصرف یا تخریب این فضاها و پی‌آیندهای آنها در شهرهای اسلامی ممنوع است. در آموزه‌های اسلام، وقتی میان منافع خصوصی و جمعی تضادی پدید آید، با هدف ایجاد تعادل در صورت امکان، ترجیح با منافع و حقوق عمومی است (Mortada, 108-110). در فقه اسلامی، مالکیت همگانی فضاهای عمومی اصل است و فقها، هرگونه دست‌اندازی، به ویژه احداث بنا در آنها را غیرشرعی دانسته‌اند (بمانیان، اخوت، و الماسی فر، ۱۳۸).

در شهرهای اسلامی، فضای بلافصل خانه‌ها دارای مالکیت عمومی است، گرچه استفاده موقت مالک با شرط عدم اشغال یا انسداد آنها مجاز شمرده شده است (حکیم،

۶۵ و ۶۹: Mortada, 115). پیامبر اسلام (ص) بنابر روایاتی، انسداد و تصرف موقت یا دائمی گذرگاه‌های عمومی را ناروا دانسته و بر حرمت و منع تصرف فضای عمومی یا مزاحمت برای استفاده همگانی از این فضاها تأکید کرده است (Lapidus, 61؛ حکیم، ۴۲ و ۳۷۵؛ حرعاملی، ۲۴۵). بر این پایه، نظارت و پایش گذرگاه‌های عمومی و جلوگیری از هرگونه تصرف یا سد معبر، از وظایف مهم و همیشگی حکومت و به طور مشخص محتسب بوده است (ابن طویر، ۱۱۷). هر گاه یکی از مالکین مجاور فضای عمومی، مزاحمتی برای بهره برداری همگانی ایجاد می‌کرد یا آسیبی بدان می‌رساند، از ادامه آن فعالیت جلوگیری می‌شد. یا در نمونه‌ای دیگر، مالکی که همهٔ املاک واقع در کوچه‌ای بن بست را جز یک ملک می‌خرید، به احترام حق بهره برداری عمومی از فضای عمومی، حق نداشت در ورودی کوچه دروازه یا مانع و مانند آن نصب کند (Mortada, 112). چنانکه برای حفظ حقوق همگانی در استفاده از فضاهای عمومی، تغییر کاربری بخشی یا تمام بنا به سبب امکان ایجاد راه بندان یا مزاحمت‌های گوناگون دیگر، نوعی دست‌اندازی به حقوق فضاهای عمومی (منافع همگان) به شمار می‌رفت و غالباً از آن جلوگیری می‌کردند (Mortada, 110).

در فضاهای شهرهای سنتی ایران پس از اسلام نیز، برای گذرگاه‌ها سلسله مراتبی دقیق وجود داشت؛ از عمومی‌ترین آنها که متعلق به همهٔ مردمان شهر بود تا نیمه عمومی که میان چند خانوار به صورت مشترک استفاده می‌شد و خصوصی که اغلب سرپوشیده بود و در جهت امنیت و محرمیت بیشتر خانه از آن استفاده می‌کردند (بحرینی و تاج بخش، ۲۵). مقولهٔ دیگر در باب حقوق ملکی فضاهای شهری که ویژهٔ شهرهای اسلامی است و در ایران نیز به ویژه رواج داشته است، فرهنگ وقف است. وقف عام گاه شامل شماری سازه‌های تجاری مانند دکان و حمام و کاروانسرا برای بهره برداری عمومی از نهادی خاص بود، مثلاً گاه کل یک بازار وقف مدرسه‌ای می‌شد (ابن کثیر، ۲۱۶/۱۳؛ ریمون، ۳۱-۳۳).

افزون بر توصیف‌های مذکور، آنچه از متن‌های بررسی شده به دست می‌آید این است که مدیریت فضاهای شهری و نظارت بر کلیه دستوره‌های دین اسلام در این فضاها، زیر نظر و به دست حکومت محلی صورت می‌گرفته است (Mortada, 67). برای نمونه، بر پایهٔ وجوب امر به معروف و نهی از منکر در دین اسلام، در دوران‌های گوناگون، بر اجرای احکام دینی از جمله روزه داری در ماه رمضان و مانند آن از سوی حاکمان و از

طریق محتسب و عوامل او نظارت می‌شد (Crone, 300-301؛ ماوردی، ۳۲۴). تأمین امنیت بازار و نظارت بر آن را که از عمومی‌ترین فضاهای شهر بود، دستگاه شرطه^۱ بر عهده داشت (ابن‌کثیر، ۲۹۸/۱۲؛ ابن سعید مغربی، ۴۶). بنابراین، مدیریت فضاهای عمومی و نظارت بر آن یکی از عامل‌های مهم سازنده عمومیت فضاها در شهرهای اسلامی بوده است و قوانین و مقررات آن، احکام شرع و آموزه‌های دین اسلام و اجرای آن بر عهده حکومت محلی قرار داشته است.

مالکیت نیز عامل بسیار مهمی در عمومی‌سازی فضاهای شهرهای اسلامی و شهرهای ایرانی به ویژه، محسوب می‌شد: مالکیت عمومی‌ترین فضاها همگانی است و حتی حکومت محلی نیز حق دخل و تصرف در آن ندارد و صرفاً می‌باید بر اجرای مقررات نظارت کند. موضوع دیگر در سلسله مراتب فضای حاکم بر این شهرها، شفافیت فضاها از نظر مالکیتی بود، که به صورت طبیعی عامل نظارت را نیز در پی داشت. فضاهای نیمه عمومی برای بهره‌برداری یک یا چند خانوار بود و همان‌ها نظارت می‌کردند و فضاهای عمومی‌تر به همگان تعلق داشت و مکان حضور همه مردم شهر بود (Kanbar, 41-43) و حکومت محلی می‌باید بر آن مدیریت و نظارت می‌کرد.

جدول (۱) - عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری در شهرهای ایرانی - اسلامی

عامل	تعریف	صاحب‌نظران
سلسله مراتب دسترسی	افزایش میزان دسترسی کالبدی (گزینه‌های ممکن و آسانی دسترسی)، بصری، نمادین و کالبدی و اجازه حضور همگانی به فضاهای عمومی و فعالیت‌ها و اطلاعات جاری در آن با رعایت سلسله مراتب مبتنی بر اصل محرمیت با افزایش میزان عمومیت فضاهای شهری	حکیم، ۱۳۸۰؛ بمت، ن. ۱۳۶۹؛ بحرینی، ۱۳۸۹؛ سرنا، ۱۳۶۲؛ بحرینی و تاج بخش، ۱۳۷۸؛ نقی زاده، ۱۳۹۰؛ کاستللو، ۱۳۷۱؛ حبیبی، ۱۳۸۴؛ پوراحمد و پوراحمد، ۱۳۹۳؛ Serjeant, 1980; Mortada, 2003; Garsivaz-Gazi, Salwa, & Estamboli, 2012; Ardalan, 1980; Lapidus, 1984; Hitti, 1973; Abu-Lughod, 1987; Kanbar, 1984; Grabar, 1976
تنوع	افزایش تنوع گروه‌های اجتماعی و فعالیت‌های حاضر در فضا هماهنگ	بمت، ن. ۱۳۶۹؛ بحرینی و تاج بخش، ۱۳۷۸؛ مدنی پور، ۱۳۸۷؛ سرنا، ۱۳۶۲؛ ایازی، ۱۳۹۱؛

۱. به نظر می‌رسد در برخی جوامع اسلامی شرطه و حسب در یک دستگاه یا دست کم ریاست آنها در یک نفر جمع می‌شده است (برای نمونه نک: ابن سعید مغربی، ۴۶).

<p>خدایی و تقوایی، ۱۳۹۰؛ پیرنیا، ۱۳۹۲؛ سلطانزاده، ۱۳۸۲؛ Mortada, 2003; Garsivaz-Gazi, Salwa, & Estamboli, 2012; Ardalan, 1980; Lapidus, 1984; Hitti, 1973; Kanbar, 1984</p>	<p>با سلسله مراتب مبتنی بر اصل محرمیت و آداب دین اسلام با افزایش میزان عمومیت فضای شهری</p>	
<p>Crone, 2004; Lapidus, 1984; Mortada, 2003. ابن طویر، ۱۹۲۲؛ سنامی، ۱۹۸۶؛ ماوردی، ۱۹۸۹؛ ابن کثیر، ۱۹۹۰؛ ابن سعید مغربی، ۱۹۵۵</p>	<p>مدیریت و نظارت دولتی فضاهای عمومی شهر از شرطها و موجب عمومی بودن فضای شهری است.</p>	<p>نظارت و اداره فضا</p>
<p>سلطانزاده، ۱۳۶۲؛ کاستللو، ۱۳۷۱؛ حبیبی، ۱۳۸۴؛ بحرینی و تاج بخش، ۱۳۷۸؛ بمانیان، اخوت، و الماسی فر، ۱۳۹۴؛ حر عاملی، ۱۳۶۶؛ حکیم، ۱۳۸۰؛ Mortada, 2003; Garsivaz-Gazi, Salwa, & Estamboli, 2012; Ardalan, 1980; Abu-Lughod, 1987; Kanbar, 1984; Lapidus, 1984; Nooraddin, 1998</p>	<p>مالک فضاهای عمومی همه شهروندان هستند و حتی دولت حق دخل و تصرف ندارد مگر بنا بر مصالح همگانی. فضاهای عمومی برای پاسخ به نیاز (منفعت) همه شهروندان به صورت برابر، ایجاد و نگهداری می‌شوند.</p>	<p>مالکیت و منفعت</p>

عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری در فرهنگ غربی

با مرور متن‌های علمی گوناگون، چنین به نظر می‌رسد که تعریفی یگانه از عمومیت فضا وجود ندارد و البته دشواری به دست دادن چنین تعریفی قابل درک است (مقصودی، ۱۴۹-۱۵۱؛ مدنی‌پور، ۹۹). با بررسی متن‌ها و تجربه‌های پژوهشی مرتبط، برخی عامل‌های اصلی در این باره آشکار می‌گردد: نخستین بار، بن و گاس سه عامل اصلی دسترسی، نظارت و گروه ذی نفع را سازنده عمومیت فضاها دانسته‌اند (Benn & Gaus, 73). زوکین (۱۹۹۵)، مهم‌ترین عامل‌های سازنده عمومیت فضای شهری را وجود تنوع و دسترسی پذیری دانسته است. الین^۱ (۱۹۹۷)، عامل نظارت را در تعیین عمومیت فضاها بسیار بنیادین توصیف کرده است. از نظر کوهن (۲۰۰۴)، دسترسی و مالکیت همگانی دو عامل اساسی سازنده عمومیت فضا است. نِمِث و اسمیت (۲۰۱۱)، سه عامل مالکیت، مدیریت و گروه ذینفع را برای ارزیابی عمومیت فضاهای شهری مناسب دانسته‌اند. ساجرمن^۲ (۲۰۱۲)،

1. Ellin

2. Swagerman

در پژوهش خود با استناد به آراء ریچارد سنت، سمیث سیمون^۱ و دبن^۲، فضاهای شهری با عمومیت تضعیف شده را معلول کاهش تنوع افراد و فعالیت‌های حاضر در آنها دانسته است. ارجان^۳ (۲۰۱۰)، عامل‌های سه گانه یکسانی را در پژوهش خود از عمومیت به دست داده است. وارنا، در پژوهش خود به این نتیجه رسیده است که مالکیت، دسترسی، نظارت و تنوع مهم‌ترین عامل‌های سازنده عمومیت است. در ادامه به تبیین دقیق‌تر این عامل‌ها پرداخته شده است.

دسترسی

بسیاری از نویسندگان، دسترسی آزادانه و برابر همگان را بنیادین‌ترین عامل سازنده عمومیت فضای شهری تلقی کرده‌اند (Read, 17; Staeheli & Gehl & Gemze; Mitchell; ; تیبالدز، ۶۵؛ پاکزاد، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، ۲۰). در انگاره‌های صاحب نظران حوزه علوم سیاسی، به خصوص آرنست وهابرماس، عمومیت عرصه عمومی با دسترسی بی قید و شرط همگان به آن تعریف می‌شود. کارمونا و دیگران، عامل دسترسی را از منظر طراحی شهری به معنای گنجایش فضا از نظر ورود، حضور و میزان استفاده از آن فضا تعریف کرده‌اند و کاهش چنین ویژگی را موجب کاهش عمومیت فضا دانسته‌اند (کارمونا، تیم، تنراک و تیزدل، ۲۲۴).

از سوی دیگر، بر محدودیت دسترسی به عنوان اصلی‌ترین عامل کاهش عمومیت فضاها تأکید و سه شکل دسترسی معرفی شده است: دسترسی بصری، دسترسی نمادین^۴ و دسترسی کالبدی. دسترسی بصری به امکان رؤیت فضا و بخش‌های داخل فضا پیش از ورود به آن و امکان داوری و انتخاب مربوط است؛ دسترسی نمادین، نشانه‌های موجود در فضاست که می‌تواند نوع بهره برداران یا ممنوعیت‌های احتمالی افرادی ویژه را تعیین کند؛ و دسترسی کالبدی، به معنی نبودن مانع‌های جسمی برای ورود به فضاست (Carr, Francis, Rivlin, & Stone, 138). که بر پایه بررسی سایر متن‌ها عامل آسان بودن دسترسی را نیز می‌توان در دسته بندی سوم قرار داد.

کامل‌ترین تعریفی که می‌توان از میان متن‌های گوناگون برای عامل دسترسی، به عنوان مهم‌ترین عامل سازنده عمومیت فضاها به دست داد، امکان و اجازه دسترسی برابر

1. Smithsimon, 2008

2. Deben, 2003

3. Ercan

4. Symbolic

همگان به فضا، فعالیتها و اطلاعات جاری در آن است (Ercan, 25; Atkinson, 1831); کارمونا، تیم، تتراک و تیزدل، (۲۲۴).

تنوع

عامل تنوع از مهم‌ترین شرط‌های عمومی بودن فضاهاست. بسیاری چون جکوبز، یونگ، ساندرکوک و مدنی‌پور بر اهمیت عامل تنوع در عمومی بودن فضای شهری تأکید کرده‌اند. مدنی‌پور، عامل تنوع را یکی از شرط‌های لازم برای تحقق یکی از عملکردهای اصلی فضای عمومی، یعنی نمایش تفاوت‌ها و تشویق برای شناخت خویشتن توصیف کرده است (مدنی‌پور، ۲۱۷). به همین سبب، بسیاری، جدایی‌گزینی^۱ را در مقابل تنوع، عامل اساسی در تضعیف عمومیت فضاها خوانده‌اند (بنرجی و سیدریس، ۳۱۷)، زیرا کاهش تنوع قشرهای حاضر در فضا، موجب از میان رفتن عمومیت آن فضا می‌شود و چنین فضایی را به سختی می‌توان عمومی تلقی کرد (بنرجی و سیدریس، ۳۰۴). از نظر آدها، فراهم آوردن امکان تجربه‌های متنوع برای بهره‌برداران، امکان فعالیت‌های متنوع آنان و امکان تظاهرات متنوع برای افراد در این فضاها، میزان عمومیت فضاها را افزایش می‌دهد (Adhya, 17). از منظری دیگر، تنوع در فضای شهری بر کیفیتی دلالت دارد که در آن، فرهنگ‌های گوناگون در رویارویی و تعامل قرار گیرند (Zukin, 30; Sennett, 17-18). شرایطی که فعالیت‌ها، افراد و رفتارهای گوناگون در آن فضا هویدا شوند و با یکدیگر درآمیزند (Varna & Tiesdell, 586).

مالکیت و منفعت

نخستین معیار و مرز میان عمومی یا خصوصی بودن، بدن فرد یا به تعبیر دیگر، ولایت و مالکیت شخص بر بدن خویش است. در مرحله بعد، به واسطه ارتباط این ولایت با فضای کالبدی و به منظور ایجاد عرصه خصوصی‌تر و دائمی‌تر و ملموس‌تر، ملک خصوصی معنا می‌یابد (مدنی‌پور، ۱۳۸۷). پاکزاد آن دسته از فضاها را شهر را که دارای

۱. (Segregation) جدایی‌گزینی بر جداسازی یا جدا شدن افراد، گروه‌ها، فعالیت‌ها و عملکردها در شهر اشاره دارد. همچنین شامل مرزبندی‌های قدرتمند میان گروه‌ها و بخش‌های مختلف یک جامعه بر اساس سلسله مراتب قدرت و حذف بهره‌مندی بخشی از جامعه (برای نمونه نک: Legeby, 11) و در مورد فضای شهری عدم امکان حضور آنها است.

مالکیت خصوصی است، در دسته فضاهای عمومی به شمار نمی‌آورد. آدها نیز مالکیت عمومی فضاها را شرط لازم برای عمومی بودن فضا دانسته است (پاکزاد، مبانی نظری و فرایند طراحی شهری در ایران، ب؛ 19 Adhya). از میان عامل‌های سه گانه سازنده عمومیت، که بن و گاس معرفی کرده‌اند، عامل گروه بهره‌برداران، شامل آن گروه از مردم است که از آن فضا بهره می‌برند. در صورتی که بهره‌مندی‌های آن فضا متوجه همه بهره‌برداران و همه مردم یک شهر باشد، میزان عمومیت آن فضا بسیار بالا خواهد بود (Benn & Gaus, 83).

نیمت و اسمیت، سه عامل مالکیت، مدیریت و بهره‌برداران را برای سنجش و ارزیابی عمومیت فضاهای شهری معرفی کرده‌اند. منظور آنان از مالکیت، نوع مالکیت از نظر خصوصی یا عمومی است که با گروه بهره‌برداران در ارتباط نزدیک است. بر این پایه، عمومی‌ترین فضا درحالتی اتفاق می‌افتد که از فضایی با مالکیت عمومی به صورت همگانی بهره‌برداری شود (Nemeth & Schmidt, 11). ممکن است چنین به نظر برسد که تا هروقت، بهره‌برداران از فضا از نوع مالکیت بی‌اطلاع باشند، عمومیت فضا تنها به سبب مالکیت غیر عمومی آن کاهش نمی‌یابد، اما چنانکه شرح داده شد، بسیاری، عامل مالکیت را در تعیین عمومیت فضاهای شهری بسیار مهم‌تر از این توصیف کرده‌اند. نمونه دیگر نیست: او واگذاری فضای عمومی به بخش خصوصی را تنها به سبب تبدیل مالکیت از عمومی به خصوصی، موجب پایان عمومیت آن فضا دانسته است (Nissen, 1143).

مدیریت و نظارت

بسیاری از پژوهشگران، به ویژه آن دسته که به پدیده خصوصی سازی فضای شهری پرداخته‌اند، بر این باورند که هرگاه اداره فضای شهری و نظارت بر آن از دست نهادهای عمومی یا دولت^۱ بیرون رود و در اختیار بخش خصوصی قرارگیرد، از میزان عمومیت فضا کاسته می‌شود یا آن فضا دیگر فاقد ویژگی عمومیت خواهد بود. یکی از نگرانی‌هایی که در این پژوهش‌ها به چشم می‌خورد، احتمال نابرابری و تبعیض در این گونه فضاهاست (DE MAGALHAES, 560; Kohn, 131).

در حقیقت، عامل نظارت با عامل مالکیت و منفعت مرتبط است. اساساً، یکی از دلایل اعمال نظارت بر فضای شهری، وجود مالکیت است. عامل نظارت کنندگان، از

۱. آن زمان که پشتیبان منافع و خواست عموم تلقی شود.

میان سه عامل معرفی شده بن و گاس، حاکی از این است که فضا تحت مدیریت و نظارت کدام یک از بخش‌های عمومی، دولتی یا خصوصی قرار دارد و در نتیجه، با هدف استفاده و منفعت چه گروهی اداره می‌شود. در صورتی که اداره و نظارت فضا در اختیار نهادی باشد که در جهت حمایت اجتماعات، شهر و مردم جامعه یا کشور فعالیت می‌کنند، میزان عمومیت آن فضا بیشتر خواهد بود (MISHU, BARUA, & (STOICAN,7 ; Nemeth& Schmidt,11-12; Madanipour,54-56).

جدول (۲) عامل‌های سازنده عمومیت فضاهای شهری در ادبیات جهانی مرتبط با عمومیت فضاهای شهری

عامل	تعریف	صاحب‌نظران
دسترسی	قابلیت دسترسی از نظر کالبدی، نمادین، بصری و حقوقی ^۱ به فضا، فعالیت‌ها و اطلاعات جاری در آن برای همگان	تیبالدز، ۱۳۸۷؛ ترلیندن، ۱۳۹۲؛ کارمونا، تیم، تنراک، و تیزدل، ۱۳۸۸؛ لنگ، ۱۳۸۶؛ Benn & Gaus, 1983; Ercan, 2010; Atkinson, 2003; Gehl & Gemze, 1999; Read, 2008; Scruton, 1984; Staeheli & Mitchell, 2008; Carr, Francis, Rivlin, & Stone, 1992;
تنوع	افزایش میزان عمومیت فضا با افزایش تنوع گروه‌های حاضر در فضا افزایش میزان عمومیت فضا با افزایش تنوع فعالیت‌ها در فضا	بنرجی و سیدریس، ۱۳۹۴؛ Adhya, 2008; Zukin, 1995; Tiesdella & Varna, 2010; Madanipour, 2003;
مدیریت و نظارت	مدیریت و نظارت فضا توسط نهادی عمومی به گونه‌ای که حداقل محدودیت برای آزادی افراد حاضر ایجاد شود، ضامن عمومیت فضا است.	DE MAGALHAES, 2010; Sorkin, 1994; Kohn, 2004; AUDIRAC & MARTINEZ, 2012; MISHU, BARUA, & STOICAN, 2014; Nemeth & Schmidt, 2011; Madanipour, 2003; Varna, 2011; Benn & Gaus, 1983; Ercan, 2010
مالکیت و گروه ذینفع	مالکیت فضایی اگر عمومی باشد در افزایش میزان عمومیت آن مؤثر است. همچنین اینکه فضا برای گروه‌های مخاطب بیشتر و متنوع‌تری و در حالت ایده آل همگان ایجاد و نگهداری شود موجب عمومی‌تر شدن فضا است.	Madanipour, 2003; Adhya, 2008; Nemeth & Schmidt, 2011; Nissen, 2008; Benn & Gaus, 1983; Ercan, 2010

مقایسه عامل‌های سازنده عمومیت در فرهنگ غربی و در شهرهای ایرانی - اسلامی

چهار عامل اصلی سازنده عمومیت فضاها در فرهنگ غربی، که با تمرکز بر نمونه‌های غربی این فضاها در سده اخیر و به ویژه با تولد حرفه و رشته طراحی شهری در چند دهه اخیر شکل گرفته، از سده‌ها پیش بر پایه آموزه‌های دین اسلام و در شهرهای ایران با بافت سنتی با دقت و جزئیات بیشتری اجرا می‌شده است. برای نمونه چنان که شرح داده شد، آنچه در فرهنگ غربی آن را دسترسی همگانی به فضای شهری خوانده‌اند و عاملی مهم در عمومیت فضا تلقی کرده‌اند و بدان سفارش شده است، از سده‌ها پیش با رعایت سلسله مراتب بسیار دقیق مبتنی بر اصول محرمیت، عدالت و برابری و پاسخ به نیاز همه شهروندان با ضوابط مدون در شهرهای ایرانی معمول بوده و اجرا می‌شده است. از این رو می‌توان این گونه نتیجه گرفت که در مقایسه با شهرهای غربی، عامل‌هایی که در این مقاله به عنوان عامل‌های تعیین کننده میزان عمومیت ذکر شده، افزون بر اهمیت بیشتر در فضاهای شهری ایران، دارای جزئیات و ضوابط دقیق‌تر و ضمانت اجرایی بیشتر است و همچنین پیوند نیرومندتری با جهان‌بینی و ارزش‌های جامعه ایرانی - اسلامی دارد.

برخی پژوهشگران به تفکیک جنسیتی به عنوان تفاوتی مهم میان فضاهای عمومی در شهرهای غربی و اسلامی اشاره کرده‌اند، اما چنان که شرح داده شد، این عامل از عامل‌های عمومی‌ساز فضا در شهرهای ایرانی - اسلامی نیست، بلکه همه سطوح عمومیت، از خصوصی‌ترین تا عمومی‌ترین فضاها، مبتنی بر اصل محرمیت بوده و اجرا می‌شده است و موضوع فقط به فضاهای عمومی محدود نمی‌شود. دیگر اینکه، بنا بر شواهد بسیار، مردانه بودن فضاهای شهری و به نوعی تفکیک جنسیتی در عرصه‌های عمومی فضاهای شهری، در شهرهای غرب نیز سابقه داشته است و هنوز هم دیده می‌شود. این عامل، تنها با آموزه‌های دین اسلام در باب محرمیت، پر رنگ‌تر جلوه می‌کند. اساساً اصل محرمیت، که پایه اصلی شکل‌گیری سلسله مراتبی از دسترسی، تنوع و حقوق مالکیتی و تفکیک جنسیتی در شهرهای ایرانی - اسلامی بوده است، در غرب مفهومی ندارد. در این ارتباط، در غرب تنها مفهوم شناخته شده، حریم خصوصی^۱ است (لنگ، ۱۶۵؛ Arendt, 64) و تفکیک جنسیتی و مردانه بودن فضاهای عمومی در فضاهای شهری غربی نیز بر پایه همین مفهوم تبیین گردیده است (هولمز، ۸۹).

در خصوص کارکرد فضاهای عمومی در شهرهای ایرانی - اسلامی و غربی، باید به ایجاد همبستگی اجتماعی و رفع نیازهای اجتماعی و عمومی مانند کسب اخبار و داد و ستد در شهرهای اسلامی اشاره کرد (محمدی و آزاده، ۲۵؛ Mortada, 18). همچنین با دقت در ویژگی‌های محله‌ها در شهرهای اسلامی و به صورت ویژه شهرهای ایرانی، روشن می‌شود که این محله‌ها بر پایه تفاوت‌های اجتماعی و اقتصادی و با تأکیدات کالبدی شکل می‌گرفتند و از یکدیگر متمایز می‌شدند. محله در شهرهای ایرانی، واحدی اجتماعی - فضایی بوده (ثقة الاسلامی و امین‌زاده، ۳۵) و همبستگی اجتماعی و هویت هم محلی‌ها را تقویت می‌کرده و بر همین پایه، هر محله خود سلسله مراتبی از فضاهای خصوصی تا عمومی مانند مسجد، بازار و میدان و میدانچه‌ها را شامل می‌شده است (پیرنیا، ۱۲۱؛ محمدی و آزاده، ۲۶-۲۷؛ ثقة الاسلامی و امین‌زاده، ۳۵). در مقابل، در شهرهای غربی، مفهوم واحد همسایگی در مقابل مفهوم محله در شهرهای ایرانی قرار می‌گیرد که واحدی کالبدی - عملکردی است (ثقة الاسلامی و امین‌زاده، ۳۶-۳۷) و فاقد سلسله مراتب فضایی و کارکردی مشخص از عمومی تا خصوصی است. بر این پایه، تنها همانندی مفهوم محله در ایران و غرب وجود مفهوم مرکزیت است (محمدی و آزاده، ۲۵) که در بیشتر موارد با عمومیت بیشتر نیز همراه بوده است (غلامی، مشکینی، و دویران، ۴۷).

عامل‌های اصلی سازنده عمومیت، در فرهنگ غربی، در شهرهای ایرانی - اسلامی و در آموزه‌های دین اسلام، ریشه‌ها، ضوابط و کاربست‌های بسیار ژرف‌تری دارد و پیوند آن با باورها و جهان بینی جامعه ایرانی، شامل عرف و مذهب بسیار عمیق و ریشه دار است. در جدول (۵)، نخست بر پایه تعریف‌های مطرح شده در مقاله، اجزاء تشکیل دهنده هر عامل مشخص گردیده و سپس چکیده‌ای از مهم‌ترین تفاوت‌هایی آورده شده است که هر جزء آن در کاربست این عامل‌ها برای فضاهای شهری اسلامی باید به تفکیک مورد توجه قرار گیرد.

آزمون یافته‌ها با روش دلفی

بر پایه یافته‌های گام نخست پژوهش، عامل‌های اصلی سازنده عمومیت فضاهای شهری همسانی بسیار چشمگیری با عامل‌های اصلی سازنده عمومیت در فرهنگ جهانی دارند و چنین به نظر می‌رسد که تنها تفاوت موجود، به تعریف‌ها و شیوه‌های کاربست آنها بر پایه ویژگی‌های هر جامعه مربوط باشد. برای اطمینان از صحت یافته‌های گام نخست، از روش دلفی با ۱۴ نفر از متخصصان و استادان دانشگاه به عنوان عضو پانل دلفی بررسی انجام شد.

گزینش اعضای پانل دلفی در آغاز با روش نمونه‌گیری گزینشی از میان استادان دانشگاه در حوزه شهرسازی و مطالعات شهری با تخصص و علاقه‌مندی و پیشینه پژوهشی در خصوص فضاهای شهری و عمومیت این فضاها صورت گرفت. در ادامه با روش نمونه‌گیری گلوله برفی، دیگر اعضای پانل انتخاب شدند: از گروه انتخابی نخست خواسته شد تا هر یک دست کم یک متخصص دیگر را در این حوزه توصیه کنند. با توجه به رعایت اصل ناشناسی در روش دلفی در جدول (۳) توضیحاتی در خصوص اعضای پانل دلفی آورده شده است.

جدول (۳) شیوه نمونه‌گیری و سمت علمی اعضای پانل دلفی به ترتیب انجام مصاحبه

نمونه‌گیری	سمت علمی	
۱	عضو هیأت علمی گروه شهرسازی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز	گزینشی
۲	عضو هیأت علمی گروه شهرسازی دانشگاه علم و صنعت	گزینشی
۳	عضو هیأت علمی گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس	گزینشی
۴	عضو هیأت علمی گروه شهرسازی دانشگاه هنر	گزینشی
۵	عضو هیأت علمی گروه شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی	گزینشی
۶	عضو هیأت علمی گروه شهرسازی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز	گلوله برفی
۷	عضو هیأت علمی گروه شهرسازی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز	گلوله برفی
۸	عضو هیأت علمی گروه شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی	گلوله برفی
۹	عضو هیأت علمی گروه شهرسازی دانشگاه آزاد واحد زنجان	گلوله برفی
۱۰	عضو هیأت علمی گروه شهرسازی دانشگاه تربیت مدرس	گلوله برفی
۱۱	عضو هیأت علمی گروه شهرسازی دانشگاه آزاد واحد تهران شرق	گلوله برفی
۱۲	عضو هیأت علمی گروه معماری دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی	گلوله برفی
۱۳	عضو هیأت علمی گروه معماری دانشگاه آزاد واحد تهران جنوب	گلوله برفی
۱۴	عضو هیأت علمی گروه معماری دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز	گلوله برفی

برای هر عامل اصلی، شماری پرسش با توجه به ابعاد مختلف موضوع تنظیم و روایی و پایایی آن پیش از اجرای روش دلفی آزموده شد. همچنین به منظور افزایش پایایی، مرحله اول و دوم دلفی به صورت مصاحبه نیمه ساختار یافته صورت گرفت. در دور اول و دوم، توافق نظر به دست آمد که عامل‌های اصلی سازنده عمومیت فضاهای شهری در شهرهای ایرانی، به درستی استخراج و عامل جدیدی بر عامل‌های مذکور افزوده نشده است. با توجه به ابعاد هر عامل، بر تقسیم بندی پنج‌گانه‌ای به شرح جدول (۴) توافق شد. همچنین درباره جهانشمول

بودن این عامل‌ها به عنوان عامل‌های اصلی سازندهٔ عمومیت فضاهای شهری توافق نظر به دست آمد، به این معنی که مصادیق این عامل‌ها گوناگون است و حتی در شهرهای اسلامی مختلف نیز، کاربست و تعریف‌های آنها متفاوت است.

در دور سوم دلفی، نهایی سازی عامل‌های اصلی، تعیین ویژگی‌های متفاوت کاربست آنها در شهرهای ایرانی و تعیین اهمیت آنها در ارزیابی عمومیت فضاهای شهری با توافق نظر کافی صورت گرفت. برای بررسی میزان توافق، دو معیار انحراف معیار و ضریب توافق کندال^۱ به کار رفت. در جدول (۴) نتایج حاصل از اجرای روش دلفی درج شده است.

جدول (۴) نتایج تکنیک دلفی در خصوص آزمون فرضیه یکسانی عامل‌های اصلی سازندهٔ عمومیت، اهمیت و تفاوت‌های کاربست هر یک

عامل‌های سازندهٔ عمومیت	درصد نظرات راجع به اهمیت عامل‌ها در ارزیابی عمومیت فضاهای شهری ایرانی - اسلامی			وزن عامل (W)	
	اهمیت بسیار زیاد	اهمیت زیاد	اهمیت متوسط		
نا همسانی‌های مورد توافق در کاربست عامل‌ها در مورد فضاهای شهری ایران					
<ul style="list-style-type: none"> دسترسی با توجه به رعایت سلسله مراتب دقیق فضایی مبتنی بر اصل محرمیت برخی محدودیت‌های دسترسی ناشی از جنسیت محدودیت‌های زمانی دسترسی محدودیت دسترسی بصری به فضا در سلسله مراتب محرمیت 	82%	18%	0%	0.24	دسترسی
<ul style="list-style-type: none"> محدودیت‌های شرعی و عرفی در تنوع فعالیت و حضور تفکیک جنسیتی در برخی فضاهای عمومی وجود سلسله مراتب دقیق برای تنوع در فضاهای شهری (به ویژه در محله‌ها) پایین تر بودن حد نهایی تنوع در مقایسه با غرب 	55%	36%	9%	0.22	تنوع

۱. مقدار ۰,۷ به عنوان حداقل مقدار قابل قبول برای ضریب توافق کندال در نظر گرفته شد که نتایج حاصل بر این اساس از سطح بالا و قابل اطمینان توافق برخوردار بودند. همچنین به کمک محاسبه انحراف معیار، داده‌های دور از توافق در هر مرحله پایش شدند.

<ul style="list-style-type: none"> ● نظارت بیشتر با توجه به وجود ضوابط و هنجارهای ویژهٔ قانونی و شرعی ● افزایش آزادی افراد با افزایش عمومیت فضا ● ولی با رعایت حدود شرع و عرف 	0%	45%	55%	0.22	مدیریت و نظارت
<ul style="list-style-type: none"> ● توجه به نیاز گروه‌های مختلف در فضاهای عمومی سنتی ایرانی ● رواج پر قدرت‌تر ایجاد فضاهایی با گروه‌های مخاطب ویژه 	73%	0%	9%	0.14	گروه ذینفع
<ul style="list-style-type: none"> ● تفاوت در تعریف‌های حقوقی مرتبط (به عنوان مثال وقف عام) 	64%	18%	18%	0.17	مالکیت

نتیجه

چنانکه در آغاز مقاله شرح داده شد، این پژوهش پیرامون پرسشی بنیادین شکل‌گرفت و در رهیافت دستیابی به پاسخ مناسب، از راهبرد قیاسی، یعنی ساخت فرضیه‌های موقت و آزمون آنها بهره برده شد. سرانجام یافته‌های این مقاله، عامل‌های اصلی سازندهٔ عمومیت فضاهای شهری در فرهنگ جهانی و همچنین عامل‌های اصلی سازندهٔ عمومیت فضاها در شهرهای ایرانی - اسلامی را آشکار کرد.

همچنین روشن شد که این عامل‌ها بر پایهٔ عنوان‌های پیشنهادی این مقاله بر هم منطبق هستند و در سطح انگاره‌ها، همپوشانی شایان توجه دارند و از این نظر، عامل‌هایی جهانشمول در ارزیابی عمومیت فضاهای شهری به شمار می‌روند، اما تفاوت‌های چشمگیری در حدود، تعریف‌ها و شیوه‌های کاربردی آنها چه در زمان حال و چه در گذشته، میان شهرهای ایرانی و غربی وجود دارد که ناشی از جهانبینی و اقتضائات اجتماعی، فرهنگی، مذهبی و سیاسی این جامعه‌هاست.

در میان یافته‌های این پژوهش، موضوع دیگری می‌تواند برای متخصصان ایرانی در حوزهٔ شهرسازی مهم باشد و آن اینکه این عامل‌ها، سده‌ها پیش از شکل‌گیری ادبیات مرتبط با فضاهای شهری و حوزهٔ طراحی شهری در غرب، در آموزه‌های دین اسلام آمده و در سنت شهرسازی ایرانی با دقت و جزئیاتی بسیار بیشتر نسبت به فرهنگ غربی به کار می‌رفته و با جهانبینی جامعهٔ ایرانی نیز پیوندی نیرومند داشته است.

در پایان، ابعاد گوناگون این عامل‌ها و آنچه در کاربردی آنها برای فضاهای شهری ایرانی - اسلامی لازم است پژوهشگران، طراحان و برنامه‌ریزان شهری بدان توجه کنند، در جدول (۵) جمع‌بندی شده است.

جدول (۵) تفاوت‌ها و ملاحظات لازم در کاربست عامل‌های سازندهٔ عمومیت فضاهای شهری برای فضاهای شهرهای ایرانی - اسلامی

عامل سازندهٔ عمومیت	مولفه‌ها بر پایه فرهنگ غربی (شهرهای غربی)	شهرهای ایرانی - اسلامی	
دسترسی	اطلاعات	افزایش دسترسی به اطلاعات با افزایش عمومیت، با رعایت آموزه‌های دین اسلام و اصل محرمیت	
	اجازه حضور	اجازهٔ حضور همگانی در عمومی‌ترین فضاها و کاهش چنین اجازه‌ای بر پایه سلسله مراتب فضایی به صورت نظام مند.	
	فعالیت	دسترسی به فعالیت‌ها با رعایت سلسله مراتب مبتنی بر اصل محرمیت و رعایت آموزه‌های اسلام	
	کالبدی		افزایش شمار راه‌های منتهی به فضا با افزایش میزان عمومیت در سلسله مراتب فضایی
			گسترش کالبدی و افزایش ظرفیت فضا بر پایهٔ سلسله مراتب فضایی
	بصری		لزوم توجه به مسافت و سهولت دسترسی پیاده و سواره برای همگان (همهٔ گروه‌های اجتماعی)
			محدودیت دسترسی بصری با کاهش میزان عمومیت و بر اساس اصل محرمیت در سلسله مراتب فضایی
تنوع	فعالیت	افزایش تنوع فعالیت با افزایش عمومیت در سلسله مراتب فضایی و با رعایت معیارهای رفتاری و سایر آموزه‌های دین مبین اسلام بیشتر فضاهای شهر ایرانی - اسلامی دارای فعالیت غالب هستند، اما تنوع فعالیت‌های مجاز با افزایش عمومیت فضا افزایش می‌یابد.	
	اقشار	حضور همگان در فضای عمومی بجز در در مواردی برای غریبه‌ها (به ویژه در محله‌ها). همچنین کاهش تنوع اقشار به واسطهٔ اجازهٔ حضور بر پایه سلسله مراتب فضایی. وجود سلسله مراتب دقیقی از عمومیت فضاها در محله‌ها با تنوع محدودتر اقشار تا عمومی‌ترین فضاهای شهر با بیشترین تنوع اقشار حاضر هر چه در سلسله مراتب فضایی از فضاهای عمومی دور شویم بیشتر فضاهایی با مخاطبین محلی و ویژه را شاهدیم.	
	کاربرد (و کاربری)	افزایش تنوع کاربرد با افزایش میزان عمومیت در سلسله مراتب فضایی و با رعایت آموزه‌های دین اسلام. هر چه در سلسله مراتب فضایی از فضای عمومی دور شویم بیشتر فضاها کاربری ویژه دارند. فضاهای شهر اسلامی اغلب دارای کاربردی غالب هستند. برای نمونه، راه دارای کاربرد غالب آمد و شد است و در مقابل آن خیابان در غرب است، که از عمومی‌ترین فضاها محسوب می‌شود. عمومیت خیابان در شهر اسلامی بر پایهٔ جایگاه آن در سلسله مراتب دقیق فضایی از بسیار عمومی تا نیمه عمومی متغییر است.	

مدیریت و نظارت	کالبدی	نظارت کالبدی فضاها شامل انسداد، کاهش عرض معبر و مانند آن با کاهش میزان عمومیت افزایش می‌یابد. همچنین ممکن است برخی نظارت‌های کالبدی برای اجرای آموزه‌های دین اسلام اعمال شوند.
مسئول مدیریت و نظارت	قوانین و مقررات	خاستگاه قوانین، آموزه‌های دین اسلام می‌باشد، که با نظارت حکومت محلی در فضاهای شهر اجرا می‌شوند.
مالکیت و منفعت	افزایش مالکیت و بهره‌مندی همگانی (به تأکید برخی منابع همه مسلمانان) از عامل‌های اصلی افزایش میزان عمومیت فضا است. فضای عمومی در مالکیت همگانی است و منافع آن نیز با رعایت عدالت متوجه همگان است.	مسئولیت مدیریت و نظارت فضاهای عمومی شهر بر عهده حکومت محلی است.

منابع

- ابن طویر، عبدالسلام، *نزهة المقلتين في اخبار الدولتين*، به کوشش ایمن فؤاد سید، اشتوتگارت: النشرات الاسلامیه، ۱۹۲۲م.
- ابن سعید مغربی، علی. *المغرب فی حلی المغرب*، ج ۱، به کوشش شوقی ضیف، القاهرة: دارالمعارف، ۱۹۵۵م.
- ابن کثیر، اسماعیل، *البدایة والنهاية*، ج ۱۲، به کوشش شوقی ضیف، بیروت: المعارف بیروت، ۱۹۹۰م.
- ابن کثیر، اسماعیل، *البدایة والنهاية*، ج ۱۳، به کوشش شوقی ضیف، بیروت: المعارف بیروت، ۱۹۹۰م.
- انصاری، باقر، *حقوق حریم خصوصی*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۱.
- ایازی، سید محمدهادی، *طرح جامع فضاهای فرهنگی شهر تهران*، تهران: امیدان، ۱۳۹۱.
- باقری، اشرف السادات، *شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۶.
- بحرینی، سیدحسین، *فرایند طراحی شهری*، تهران: موسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۹.
- بحرینی، سیدحسین و گلناز تاج بخش، «مفهوم قلمرو در فضاهای شهری و نقش طراحی شهری خودی در تحقق آن»، *هنرهای زیبا: معماری و شهرسازی* (۶)، ۱۸-۳۱، ۱۳۷۸.
- بمات، نجم‌الدین، *شهر اسلامی*، با ترجمه محمد حسین حلیمی و منیژه اسلامبولچی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۹.
- بمانیان، محمدرضا، نسیم غلامی رستم و جنت رحمت پناه، «عناصر هویت ساز در معماری سنتی خانه‌های ایرانی»، *مطالعات هنر اسلامی* (۱۳)، ۵۵-۶۹، ۱۳۸۹.

- بمانیان، محمدرضا، هانیه اخوت و نینا الماسی فر. معماری و شهرسازی سنتی در کشورهای اسلامی، تهران: طحان، ۱۳۹۴.
- پاکزاد، جهانشاه، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، تهران: طرح و نشر پیام سیما، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۴.
- پاکزاد، جهانشاه. مبانی نظری و فرایند طراحی شهری در ایران، تهران: انتشارات شهیدی، ۱۳۸۵.
- پامیر، سای، آفرینش مرکز شهری سرزنده، ترجمه مصطفی بهزادفر و امیر شکیبامنش، تهران: انتشارات دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۸۹.
- پوراحمد، احمد و عطیه پوراحمد، «ساخت فضایی شهر در ایران قبل و بعد از اسلام»، شهرپایدار، ۲۱-۳۶، ۱۳۹۳.
- پورجعفر، علی و پورجعفر، محمدرضا، «فضاهای شهری نیمه عمومی سرپوشیده سنتی ایرانی اسلامی در مقایسه با پاساژهای فرانسوی؛ نمونه‌های موردی: تیمچه‌های امین الدوله و بزرگ قم و پاساژهای پانوقاوا و جوققا»، معماری و شهرسازی آرمانشهر، ۱۳، ۱۶۹-۱۸۲، ۱۳۹۳.
- پورجعفر، محمدرضا، فضاهای شهری سنتی در شهرهای ایرانی - اسلامی. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، ۱۳۹۷.
- پورجعفر، محمدرضا، علی پورجعفر و سیما صفدری. «انواع شهر اسلامی و اشاراتی به نحوه شاخص سازی در راستای شهری آرمانی - اسلامی»، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۳-۲۳، ۱۳۹۴.
- پیران، پرویز، «نظریه آبادی جانشین نظریه شهر»، فصلنامه اندیشه ایرانشهر، ۶، ۵۶، ۱۳۸۴.
- پیرنیا، محمدکریم. آشنایی با معماری اسلامی ایران، به کوشش غلامحسین معاریان، تهران: نغمه نواندیش، ۱۳۹۲.
- ترلیندن، اولاد، شهر و جنسیت، ترجمه مینوش صدقیان زاده، تهران: نشر کلاغ، ۱۳۹۲.
- ترنر، برایان اس. وبر و اسلام با پانوشته‌های انتقادی و مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ماکس وبر، با ترجمه حسین بستان، علی سلیمی، و عبدالرضا علیزاده، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.
- ثقة الاسلامی، عمیدالاسلام، امین زاده، بهناز، «بررسی تطبیقی مفهوم و اصول به کار رفته در محله ایرانی و واحد همسایگی غربی»، هویت شهر، ۱۳، ۳۳-۴۵، ۱۳۹۲.
- جاکوبز، جین، مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکایی، ترجمه حمیدرضا پارسی و آرزو افلاطونی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
- جاوری، محسن، «فضا و جامعه شهرهای ایران در دوران انتقال از ساسانیان به قرون اولیه اسلامی - مطالعه موردی؛ ویگل و هراسگان»، پایان نامه دکتری گروه باستان شناسی دانشگاه تهران. تهران، ۱۳۸۹.
- جنکینز، اریک، عرصه عمومی شهر؛ تحلیل نمونه‌های برتر ایران و جهان، ترجمه مصطفی اکبری مطلق و شهرام کریمی، تهران: طحان، ۱۳۹۴.

- حبیبی، محسن، *از شار تا شهر*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، ج ۲۹، قم: موسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیاء التراث، ۱۳۶۶.
- حکمت نیا، حسن، «سنجش میزان محرمیت خانه‌ها در راستای سبک اسلامی - ایرانی: نمونه موردی بافت قدیم و جدید شهر یزد»، پژوهش‌های جغرافیای برنامه ریزی شهری (۶)، ۵۸۵-۶۰۳، ۱۳۹۷.
- حکیم، بسیم سلیم، *شهرهای عربی - اسلامی: اصول شهرسازی و ساختمانی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰.
- خدایی، زهرا، و علی اکبر تقوایی، «شخصیت شناسی شهر اسلامی؛ با تأکید بر ابعاد کالبدی شهر اسلامی»، فصلنامه مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ۱۰۳-۱۱۳، ۱۳۹۰.
- ذکایی، محمد سعید، «تجربه زنانه از شهر تهران: الگوها، فرصت‌ها و محدودیت‌ها»، در *جوان، شهر و زندگی روزمره*، توسط محمد سعید ذکایی، ۱۲۵-۱۷۸، تهران: نشر تیس، ۱۳۹۳.
- ذکایی، محمد سعید و مریم امن‌پور، *درآمدی بر تاریخ فرهنگی بدن در ایران*، تهران: انتشارات تیس، ۱۳۹۳.
- رحمت آبادی، الهام، «از اندرونی تا عرصه عمومی»، *جستارهای شهرسازی*، ۹۳-۹۹، ۱۳۸۷.
- رضایی، محمود، «ارزشهای جاوید و جهانگستر شهرسازی اسلامی (بازنمودی از نگرش‌های فرا کالبدی و فرا زمانی شهر اسلامی)»، *پژوهشهای جغرافیای انسانی* (۳)، ۱۶۹-۱۹۰، ۱۳۹۱.
- ریمون، آندره، *شهرهای بزرگ عربی - اسلامی - در قرن‌های ۱۰ تا ۱۲ هجری*، با ترجمه حسین سلطانزاده، تهران: آگاه، ۱۳۷۰.
- سرنه، کارلا، *آدم‌ها و آیین‌ها در ایران*، با ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: زوار، ۱۳۶۲.
- سلطانزاده، حسین، *روند شکل‌گیری شهر و مراکز مذهبی در ایران*، تهران: نشر آگاه، ۱۳۶۲.
- سلطانزاده، حسین، *فضاهای شهری در بافت‌های تاریخی ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری شهرداری تهران، ۱۳۸۲.
- سلطانزاده، حسین، *بازارهای ایرانی*، تهران: دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۹۳.
- سنامی، عمر، *نصاب الاحتساب، به کوشش مریم سعید مریم عسیری*، مکه: الطالب الجامعی، ۱۹۸۶ م.
- صفایی پور، مسعود، و مهیار سجادیان، «جستاری بر تحولات و تطورات مفهوم شهر اسلامی»، *فصل‌نامه جغرافیا و برنامه ریزی شهری چشم‌انداز زاگرس*، ۲۴، ۱۵۹-۲۰۴، ۱۳۹۴.
- عاملی، جعفر مرتضی، *شهر اسلامی*، مشهد: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد، ۱۳۸۸.
- غلامی، سعید، مشکینی، ابولفضل و دوبران، اسماعیل، «طراحی فضایی محلات شهری با تأکید بر اصول دین اسلام در شهر ایرانی - اسلامی»، *هویت شهری*، ۲۲، ۴۱-۵۲، ۱۳۹۳.

- فلاح، سمیه، «برساخت مفهوم شهر اسلامی»، *مطالعات شهر ایرانی اسلامی*، ۳، ۳۵-۴۴، بهار ۱۳۹۰.
- کارمونا، متیو، هیت تیم، تنراک و استیون تیزدل، *مکان‌های عمومی، فضاهای شهری؛ ابعاد گوناگون طراحی شهری*، با ترجمه فریبا قرایی، مهشید شکوهی، زهرا اهری و اسماعیل صالحی. تهران: دانشگاه هنر، ۱۳۸۸.
- کاستللو، وینسنت فرانسیس، *شهرنشینی در خاورمیانه*، با ترجمه پرویز پیران و عبدالعلی رضایی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۱.
- کریر، راب، *فضای شهری*، ترجمه خسروهاشمی نژاد، اصفهان: خاک، ۱۳۸۱.
- کریمیان، حسن، «روند شکل‌یابی، توسعه و تخریب شهر باستانی بم»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ۸۱-۱۰۰، ۱۳۸۳.
- کریمیان، حسن و ساسان سیدین، «دارابگرد در انتقال از ساسانیان به دوران اسلامی؛ بر اساس مستندات باستانشناختی»، *باغ نظر*، ۱۳، ۷۳-۸۸، ۱۳۸۹.
- کنانی، یحیی، *أحكام السوق*، به کوشش محمود علی مکی، استانبول: دار ابن حزم، ۲۰۱۱ م.
- لنگ، جان، *آفرینش نظریه معماری؛ نقش علوم رفتاری در طراحی محیط*، ترجمه علیرضا عینی فر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۸.
- ماوردی، علی، *الاحکام السلطانیة*، به کوشش احمد مبارک بغدادی، کویت: دار ابن قتیبه، ۱۹۸۹ م.
- محمدی، جمال و آزاده، سیدرضا، «مقایسه تطبیقی محله‌های نوساز و قدیمی اصفهان از نظر میزان انطباق‌پذیری با شاخص‌های ایرانی - اسلامی مطالعه موردی: محله‌های جویباره و شهرک نگین»، *شهر ایرانی اسلامی*، ۳۴، ۲۳-۳۴، ۱۳۹۷.
- مدنی پور، علی، *فضاهای خصوصی و عمومی شهر*، با ترجمه فرشاد نوریان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۷.
- مقصودی، ملیحه، *الگوی مفهومی برای تحلیل فضاهای شهری*، تهران: پیام، ۱۳۹۳.
- مهریار، محمد، «پیشینه پژوهشها و کاوشهای باستانشناسی در بیشاپور»، در مجموعه مقالات دومین کنگره تاریخ معماری و شهرسازی ایران (ج ۲)، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۸.
- نقی‌زاده، محمد. *شهر آرمانی اسلامی یا فضای حیات طیبه*، *بایسته‌های تحقق شهر اسلامی بر مبنای نصوص دینی*، تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، نشر شهر، ۱۳۹۰.
- نقی‌زاده، محمد، «فضاهای شهری و عمومی در شهرهای ایرانی»، *کتاب ماه هنر*، ۴-۱۱، ۱۳۹۲.
- هولمز، ماری، *جنسیت و زندگی روزمره*، ترجمه محمد مهدی لیبی، تهران: نشر نقد افکار، ۱۳۸۷.

- Abu-Lughod, Janet L. "The Islamic City-Historic Myth, Islamic Essence, and Contemporary Relevance." *International Journal of Middle East Studies*, 155-176, 1987.
- Adhya, Anirban, EXPLORING THE PUBLIC REALM: UNDERSTANDING MULTIPLE WAYS OF PUBLICNESS IN URBAN AMERICA. *AIA Report on University Research Volume 3. Southfield, Michigan, USA: Lawrence Technological University, 2008.*
- Arendt, Hannah, *The human condition*. London: The University of Chicago Press, Ltd., London, 1998.
- Ardalan, Nader. "Places of Public Gathering." *Seminar Five in the series Architectural Transformations in the Islamic World*, 5-16, 1980.
- Atkinson, Rowland. "Domestication by Cappuccino or a Revenge on Urban Space? Control and Empowerment in the Management of Public Spaces", *Urban Studies*, 40, 1829-1843, 2003.
- Benn, Stanley, and Gaus, Gerald F., *The Public and the Private: Concepts and Action, Public and Private in Social Life*. London: Martin's Press, 1983.
- Bosworth, C. Edmund, *Historic Cities of the Islamic World*. Boston: Brill, 2007.
- Crone, Patrica. *GOD'S RULE; Government and Islam*. NEW YORK: COLUMBIA UNIVERSITY PRESS, 2004.
- DE MAGALHAES, CLAUDIO, "Public Space and the Contracting-out of Publicness: A Framework for Analysis." *Journal of Urban Design*, 15, no. 4, 559-574, 2010.
- Don, Mitchell. *The Right to the City: Social Justice and the Fight for Public Space*. New York: Guilford publication, 2003.
- Ellin, Nan, *The Architecture of Fear*. London: Princeton Architectural press, 1997.
- Ercan, Muge Akkar. "less public than before? public space improvement in newcastle city centre." In *Whose Public Space? international case studies in urban design and development*, by Ali Madanipour, 21-50. London: Routledge, 2010.
- Fraser, Nancy. "Rethinking the Public Sphere: A Contribution to the Critique of Actually Existing Democracy." *Social Text*, No. 25/26. Duke University Press, 56-80, 1990.
- Garsivaz-Gazi, Hamid, Mikhail Salwa, and M.J. Estamboli., "The position of Mosques in Islamic cities and its location design in new cities." *Damascus University Journal*, 28, 49-68, 2012.
- Gavison, Ruth., "Privacy and the Limits of Law." *The Yale Law Journal*, 89, no. 3, 421-471, Jan., 1980.
- Grabar, Oleg. *The World of Islam*, Bernard Lewis, ed., London: Thames & Hudson, 1976.
- Habermas, Jurgen. *The Structural Transformation of the Public Sphere, An Inquiry into a Category of Bourgeois Society*. Translated by Thomas Burger, & Frederick Lawrence. Cambridge, Massachusetts: MIT press, 1991.
- Hitti, Philip K., *Capital Cities of Arab Islam*. Minneapolis: University of Minnesota, 1973.
- Kanbar, Wadiah K., *Continuity and Spatial Change in Arab-Islamic Cities*. New York: Columbia University, 1984.
- Kohn, Margaret., *Brave New Neighborhoods, THE PRIVATIZATION OF PUBLIC SPACE*. New York: Routledge, 2004.

- Lapidus, Ira M., *Muslim Cities in the Later Middle Ages*. Massachusetts: Harvard university press, 1984.
- Legeby, Ann. "Urban Segregation and Urban Form". Ph.D. Thesis, KTH Royal Institute of Technology, Stockholm, Sweden, 2010.
- Madanipour, Ali., *Public and Private Spaces of the City*. London: Routledge, 2003.
- Mensch, James, *Public space*. Continental Philosophy Review, 2007.
- Mortada, Hisham, *TRADITIONAL ISLAMIC PRINCIPLES OF BUILT ENVIRONMENT*. London: RoutledgeCurzon, 2003.
- Mishu, Mashrur Rahman, Barua, Uttama & stoican, Irina, "THE CHANGING NATURE OF URBAN PUBLIC PLACES IN DHAKA CITY", *Urbanism. Arhitectură. Construcții*, 5(4), 5-16, 2014.
- Negoita, Ana Maria, "THE CITY OF MANSUR THE BUILDER, BAGHDAD BETWEEN THE CALIPH'S WILL AND SHARI'AH NORMS", *Pol. Sc. Int. Rel.*, VIII, 2, Bucharest. 112-129, 2011.
- Nemeth, Jeremy, and Stephen Schmidt. "The privatization of public space: modeling and measuring", *Environment and Planning B: Planning and Design*, 38, 5-23, 2011.
- Nissen, Sylke. "Urban Transformation From Public and Private Space to Spaces of Hybrid Character." *Sociologický časopis/Czech Sociological Review* 44, (6) , 1129-1141, 2008.
- Nooraddin, Hoshiar. "Al-fina', in-between spaces as an urban design concept: making public and private places along streets in Islamic cities of the Middle East", *URBAN DESIGN International* 3, 65-77, 1998.
- Read, Stephen. "Technicity and Publicness: Steps towards an Urban Space." *Architecture and Phenomenology*, 7-22, 2008.
- Sennett, Richard, *the fall of public man*. New York: Norton, 1992.
- Serjeant, Robert Bertram, *The Islamic City*. Paris: Unesco (United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization), 1980.
- Staheli, Lynn, and Mitchell, Don, *The People's Property? Power, Politics, and the Public*, New York: Routledge, 2008.
- Swagerman, Anna, "The 'publicness' of public space: How public is a public square in the centre of Amsterdam?" Master Thesis: Specialization Urban Sociology, Supervised by Prof. dr. Jan Rath. Amsterdam, Amsterdam: University of Amsterdam, May 2012.
- Tonnelat, Stéphane, "The sociology of urban public spaces." In *Territorial Evolution and Planning Solution*, by Hongyang WANG, Michel SAVY, & Guofang ZHAI, 84-92. Paris: Atlantis Press, 2010.
- Varna, Georgiana, and Steve Tiesdell. "Assessing the Publicness of Public Space: The Star Model of Publicness", *Journal of Urban Design*, 15, 575-598, 2010.
- Varna, Georgiana, "Assessing the publicness of public places: towards a new model", *PhD thesis*. Glasgow: University of Glasgow, College of Social Sciences, Department of Urban Studies, June 2011.
- Westin, Alan, *Privacy and Freedom*, New York: Atheneum, 1968.
- Zukin, Sharon, *The Cultures of Cities*, Oxford: Blackwell, 1995.